

تحلیل فرهنگی - اجتماعی نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار شهری در استان اصفهان

امیرعلی درستی^۱، دکتر مهدی ادیبی سده^۲ و دکتر عبدالرضا ادهمی^۳

تاریخ وصول: ۹۶/۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۹

چکیده:

هدف این پژوهش تحلیل فرهنگی - اجتماعی نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار شهری در استان اصفهان است. در این پژوهش با روش پیمایشی روایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ محاسبه و تأیید شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق رابطه‌ی معنی‌داری بین متغیرهای سرمایه اجتماعی (۴=۰/۴۱)، تحصیلات (۴=۰/۶۹)، درآمد (۴=۰/۵۱)، سن (۴=۰/۱۴) و مشارکت اجتماعی (۴=۰/۳۳) با سطح توسعه پایدار شهری در استان اصفهان وجود دارد.

مفاهیم کلیدی: توسعه بومی، سرمایه اجتماعی، برنامه‌های توسعه محور، سنت‌گرایی، پیشرفت، تحصیلات

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده‌ی مسئول)
a.dorosti@iau-shoushtar.ac.ir

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر
m.adibisedeh@iau-shoushtar.ac.ir

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
a_adhami@iau-tnb.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

توسعه دارای ابعاد پیچیده، متنوع و متکثر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و سیاسی است. برای فهم عوامل و موانع توسعه باید همه‌ی مؤلفه‌های مذکور مورد پژوهش قرار گیرند، اما عناصر فرهنگی - اجتماعی نقشی بنیادی در فرایند توسعه ایفا می‌نمایند. اما از سال ۱۳۶۰ به بعد مفهوم توسعه جهان را تکان داد. همه‌ی کشورها برای آنکه در طبقه‌بندی توسعه، در ردیف توسعه‌نیافتگان قرار نگیرند، آخرین تلاش خود را در بهبود وضع معیشتی و رفاهی مردم مبذول داشتند و تغییرات گسترده‌ای در ساخت جامعه به وجود آوردند. برخی از این تغییرات مناسب جوامع نبود و باعث تخریب محیط زیست شده بود. بر همین اساس توسعه و رشد به مفهوم عمومی آنکه در غرب متداول بود، عوارض زیست‌محیطی به دنبال آورد که در بخش‌هایی از جهان ادامه‌ی توسعه را غیر ممکن می‌ساخت. تخریب منابع آبی و آلودگی بیش از حد آن، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و زباله در شهرها و چگونگی دفع زباله‌های اتمی از جمله مسایلی بود که در گزارش «آینده‌ی مشترک ما» در سال ۱۹۸۷ مطرح شد. در این گزارش که توسط کمیسیون جهانی توسعه‌ی پایدار برای سازمان ملل متحد درباره‌ی محیط زیست و توسعه تهیه شده بود، برای اولین بار اصطلاح توسعه‌ی پایدار^۱ وارد ادبیات زیست‌محیطی و پس از آن وارد ادبیات اقتصادی شد (مکنون، ۱۳۷۶: ۵). توسعه‌ی پایدار، یعنی تأمین نیازهای نسل حاضر بدون به مخاطره انداختن امکانات نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خودشان (گزارش برانت‌لند^۲، ۱۹۸۷: ۱). سرآغاز توسعه‌ی پایدار ناظر بر این ایده است که حفاظت بلندمدت از محیط زیست، زیستگاه‌ها، تنوع زیستی، منابع طبیعی و زیست‌محیطی آن، تنها زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که به‌طور هم‌زمان با توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به ویژه به منظور تأمین منافع بی‌بضاعت‌ترین افراد جامعه، توأم شود. ایده‌ی توسعه‌ی پایدار در برداشتی منسجم از محیط زیست و توسعه نمود می‌یابد. بنابراین توسعه‌ی پایدار را می‌توان به بازساخت بلندمدت سیستمی برای احیا و ساخت مجدد آن سیستم تعبیر کرد. پایداری به‌عنوان نرخ تغییر سیستمی شهری تعریف شده و از توانایی‌های ذاتی محیط اطراف برای جذب آثار فرآیند پیشی نمی‌گیرد. بازساخت اضافه بر تکرار؛ شامل احیا و ترمیم شرایط کنونی، جایگزینی کیفیت سیستم‌های محیطی طبیعی و مصنوعی، همچنین سلامتی و سرزندگی سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی است. بازساخت، راهنمای مفیدی را برای

^۱ sustainable development

^۲ Brundtland Report

اطمینان حرکت از گذشته به حال در جهتی پایدار و سیاست‌های کنونی و آینده در جهت دستیابی به پیشرفت، فراهم می‌آورد (برکه^۱، ۲۰۰۲: ۳۱).

همچنین توسعه‌ی پایدار فرایندی است که در آن سیاست‌های اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعت و سایر سیاست‌ها به نحوی طراحی می‌شوند که موجب توسعه‌ای است که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی پایدار است و مفهوم آن انجام سرمایه‌گذاری کافی در زمینه‌ی آموزش، بهداشت، محیط و انرژی است، به طوری که بدهی اجتماعی برای نسل آینده بوجود نیاید (پرانک و همکاران، ۱۳۸۰: ۸۷). مسایل توسعه‌ای از جمله توسعه‌ی پایدار شهری ارتباط تنگاتنگی با منابع انسانی و سرمایه‌های انسانی جامعه دارد. بر همین اساس، مهم‌ترین عواملی که روند توسعه در یک کشور را تعیین می‌کنند منابع انسانی و سرمایه‌ی انسانی است، با این وصف، می‌توان عنوان کرد مکانیزم اصلی و نهادی برای بالا بردن دانش و آگاهی؛ نظام آموزشی هر کشور است. اغلب کشورهای در حال توسعه رمز اصلی توسعه‌ی ملی را در گسترش کمی فرصت‌های آموزشی می‌دانند، ولی به نظر بسیاری از دانشمندان علیرغم تأکید زیاد کشورهای در حال توسعه به گسترش کمی نظام آموزش همگانی و صرف میلیاردها دلار هزینه‌ی آموزشی چندان مفید فایده نبوده و وضع و حال آنان بهبود نیافته است (جوان، ۱۳۸۳: ۳۲)، لذا منابع انسانی به‌عنوان عنصری هوشمند مورد توجه است که با مهارت و خلاقیت خود نقش اساسی در سیستم آموزشی ایفا می‌کند. تجزیه و تحلیل منابع بدست آمده نشان‌دهنده‌ی این است که آموزش‌های پایه‌ای و کوتاه‌مدت مکمل یکدیگرند. بنابراین تصور اینکه آموزش‌های کوتاه‌مدت می‌تواند جایگزین آموزش‌های پایه‌ای شود تصوری گمراه‌کننده خواهد بود. آموزش‌های کوتاه‌مدت نمی‌تواند کمبودهای احتمالی آموزش‌های دوره‌ی ابتدایی را جبران کند، لذا سیاست آموزشی‌های مهارتی باید عنصری اصلی در مجموعه سیاست‌های توسعه تلقی شود و همزمان و موازی با سایر سیاست‌های اقتصادی به خصوص اشتغال پیش رود (کلود شتلند وژان، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

نهایتاً توسعه دارای شاخص‌های بسیار متعددی است که بحث بر سر تک‌تک آنها به درازا می‌کشد. می‌توان گفت هر توسعه‌ای نیازمند توجه به عناصر مولد آفرینندگی و خلاقیت‌های درون‌زا و مبارزه‌ی پی‌گیر، با خرده فرهنگ‌های منحنی، مبتدل و تنبل‌پرور است که در تضاد واقعی با بینش، تفکر و باورهای علمی قرار دارند (سهراب‌زاده، ۱۳۷۳: ۳۹). توسعه‌ی بومی و توسعه‌ی پایدار طی دهه‌های اخیر به تدریج به پارادایم نوین و

^۱ Berke

مسلطی در ادبیات نظری و علمی رایج در باب توسعه و برنامه‌ریزی تبدیل شده است. این پارادایم اگر چه ناظر به برداشت‌ها و تفسیرهای گوناگون است، اما در مجموع بر «پایداری» و استمرار توسعه برای همگان و نسل‌های آینده طی زمان و بر همه جانبه‌نگری ابعاد پیچیده اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فرآیند توسعه در سطح یک کشور یا شهر تأکید دارد (رهنمایی، ۱۳۸۵: ۱).

امروزه بسیاری بر این مسأله تأکید دارند که حجم سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان تأثیر بسزایی در پایداری توسعه به ویژه در مناطق شهری دارد. توسعه با مبانی پیچیده‌ای که با خود به همراه دارد، سال‌هاست که در ادبیات جهانی بررسی می‌شود. توسعه‌ی پایدار شهری هم به‌عنوان یکی از مباحث توسعه‌ی امروزه با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است. یکی از این چالش‌ها، توجه نکردن به سرمایه‌ی اجتماعی^۱ شهروندانی است که به صورت خرده فرهنگ‌هایی خاص در پهنه‌ی جغرافیایی کشور گسترده شده است و شناخت آن روند برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی شهری را برای متخصصان مربوطه تسهیل و مشارکت شهروندان را در اجرای بهتر برنامه به همراه دارد. امروزه اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی به منظور رسیدن به توسعه‌ی شهری پایدار، موضوع رو به رشد بسیاری از مطالعات در سالیان اخیر است. شرط لازم برای پیشرفت هر جامعه‌ای به خصوص جوامع شهری، توسعه‌ی همه‌جانبه، ایجاد روابط پویا، گسترش تحصیلات آکادمیک، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر، اعتماد متقابل (فرد، جامعه و دولت) است که این سازه‌ها از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی هستند. با وجود ابهاماتی در ماهیت این سرمایه، اهمیت آن مورد تأکید و تصدیق جهانی است و آن را یکی از مؤلفه‌ها و تعیین‌کننده‌های مهم توسعه‌ی پایدار شهری قلمداد می‌کنند. بر همین اساس این پژوهش در نظر دارد نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی بر توسعه‌ی پایدار در کلان‌شهر اصفهان را تحلیل جامعه‌شناختی کند. چرا که در پروسه‌ی توسعه‌ی متوازن، پایا، همه‌جانبه و پایدار شهری، جامعه‌ی ایران با موانع عمده‌ای رو بروست که یکی از عمده‌ترین این موانع مؤلفه‌های «فرهنگی - اجتماعی» محسوب می‌گردند که استان اصفهان هم از این قاعده مستثنا نبوده است.

^۱ social capital

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

پرانک و الحق (۱۳۸۰)، در پژوهشی توسعه‌ی پایدار را فرایندی می‌دانند که در آن سیاست‌های اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعت و سایر سیاست‌ها به نحوی طراحی می‌شوند که موجز توسعه‌ای است که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی پایدار است و مفهوم آن انجام سرمایه‌گذاری کافی در زمینه‌ی آموزش، بهداشت، محیط و انرژی است، به طوری که بدهی اجتماعی برای نسل آینده بوجود نیاید (پرانک و الحق، ۱۳۸۰: ۹۹-۸۵).

عظیمی (۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان: مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران به رابطه‌ی میان فرهنگ و توسعه‌ی اقتصادی پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد برای تحقق یافتن توسعه‌ی اقتصادی، انسان‌هایی مورد نیازند که ذهن و نگرش آنها متحول شده باشد، اگر قرار است پایه‌های علمی و فنی تولید امروزی شوند، آدم‌هایی که قرار است این کار را متحقق سازند باید از وضعیت کنونی خود متحول شوند و ذهنیت مناسب را داشته باشند (عظیمی، ۱۳۸۴: ۶۵-۵۰).

آهنگری و سعادت‌مهر (۱۳۸۶)، در تحقیقی با عنوان مطالعه‌ی تطبیقی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، با استفاده از ۹۰ شاخص که ۲۲ شاخص آن مربوط به بخش کشاورزی بود پرداختند و نشان دادند که در استان لرستان شهرستان‌های خرم‌آباد، الیگودرز، کوهدشت و دلفان در بخش کشاورزی وضعیت توسعه‌نیافته‌ای دارند (آهنگری و سعادت‌مهر، ۱۳۸۶: ۱۶۹-۱۶۱).

صادقی ده‌چشمه (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان: بررسی جامعه‌شناختی مسأله‌ی اجتماعی - فرهنگی توسعه در شهرستان فارس به بررسی عوامل بازدارنده‌ی اجتماعی و فرهنگی توسعه پرداخته است. وی به وسیله‌ی آزمون‌های آماری نظیر ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چند متغیر، به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته است. نتایج گویای وجود رابطه‌ی معنادار بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و عدم توسعه در این شهر است. همچنین در این منطقه، باید دیدگاه‌ها و بینش‌های منفی که در جامعه به فراوانی مشاهده می‌گردد، اصلاح گردد و به منطقه، ابزار عقلانیت، انتقاد، شادی و از همه مهم‌تر توجه به امور دنیایی و بالخصوص سایه‌ی روش‌هایی از مدرنیته تزریق گردد (صادقی ده‌چشمه، ۱۳۸۷: ۹۰-۷۷).

ب) تحقیقات خارجی

برینگتون مور^۱ (۱۹۶۶)، در پژوهشی با عنوان «ریشه‌های اجتماعی استبداد و دموکراسی» که درباره‌ی کشورهای هند، انگلستان، فرانسه، روسیه، آمریکا، آلمان، چین و ژاپن به انجام رسیده است، نتیجه می‌گیرد که دگرگونی ارزش‌ها و فرهنگ‌ها بنیادی‌ترین شرط تغییرات اقتصادی و توسعه است.

فدریک و همکاران^۲ (۱۹۹۹)، در بررسی ارتباط بین رشد و توسعه‌ی اقتصادی و سرمایه‌ی اجتماعی به دنبال پاسخی برای سه پرسش هستند: «آیا سرمایه‌ی اجتماعی برای توسعه‌ی اقتصادی اهمیت دارد؟ آیا برای تمام مراحل توسعه‌ی اقتصادی، یک گونه یکسان از سرمایه‌ی اجتماعی مناسب است؟ و آیا همیشه سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر بهتر است؟» آنها در تحلیل خود نتیجه‌گیری کردند تمام اشکال سرمایه‌ی اجتماعی با یکدیگر برابر نیستند و مطمئناً برخی از اشکال سرمایه‌ی اجتماعی به منظور توسعه‌ی اقتصادی، مناسب‌تر از اشکال دیگر آن هستند. آنها معتقدند که اعتماد اجتماعی، همکاری و برقراری ارتباط را تسهیل می‌نماید و از این‌رو معضلات فعالیت‌های جمعی را کاهش داده و محرک‌های فرصت‌طلبی را کم می‌کند. نتیجه این است که، جوامعی که در درازمدت، دارای میزان زیاد سرمایه‌ی اجتماعی بوده‌اند، نسبت به جوامعی که دارای سطح پایینی از اعتماد اجتماعی بوده‌اند، به موفقیت‌های بیشتری در زمینه‌ی اقتصادی و اجتماعی دست یافته‌اند.

کلین و بری^۳ (۲۰۰۱)، همچنین در پژوهشی با عنوان ایستارهای درون قومی در کانادا در ژوئن ۱۹۹۱ انجام داده‌اند، در این پژوهش طرز تلقی و وجهی نظر ۱۴ گروه قومی اقلیت در کشور مذکور نسبت به هم سنجیده شده است. ماتریس داده‌های این پژوهش نشان داده است که هر گروه قومی از سایر اقوام خودش را برتر می‌داند و قومیت مانع اصلی توسعه‌ی پایدار شهری بوده است.

فرانکوئیس^۴ (۲۰۰۲)، در کتاب خود با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه» اعتماد متقابل و همکاری افراد را به‌عنوان معیاری برای مدل کردن ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و متغیرهای اقتصادی در نظر گرفته است. به این منظور افراد به طور کلی به دو دسته کارآفرین یعنی اشخاصی که ریسک‌پذیر هستند و پیمانکاران یعنی اشخاصی که ریسک

¹ B. Moore

² Fedderke & et al.

³ Clin & beery

⁴ François

گریزند، ولی در انجام فعالیت‌های اقتصادی با کارآفرینان همکاری می‌کنند، تقسیم شده‌اند. سپس با معرفی متغیری به‌عنوان، درجه‌ی قابلیت اعتماد پیمانکاران، اثرات آن را بر روی توابع ترجیحات کارآفرینان بررسی نموده و به این وسیله به بررسی نقش اعتماد در توسعه‌ی اقتصادی پرداخته است.

گروتاثرت و همکاران^۱ (۲۰۰۲)، در مطالعه‌ی خود تحت عنوان «نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه» بیان می‌کند که مطالعات مقطعی بین‌کشوری حاکی از ارتباط قوی بین اعتماد و رشد است. این نتیجه موجب تقویت یافته‌های قبلی شد که حتی در کوتاه مدت بین اعتماد و رشد رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در سطح روستاها مطالعات نشان می‌دهد که صداقت، وفاداری و همیاری در بین مردم فقیر زیاد است و بسیاری از کاستی‌ها را پوشش می‌دهد. همچنین آنها اشاره می‌کنند که یکی از مطالعاتی که در سطح خانواده صورت گرفته است، نشان می‌دهد سرمایه‌ی اجتماعی احتمال فقیر بودن یک خانواده‌ی فقیر را ۷/۳۶ درصد کاهش و در مقابل احتمال ثروتمند شدن را در بین ثروتمندان فقط ۴ درصد افزایش می‌دهد.

آنچورنا^۲ و همکاران (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان شبکه‌های اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی» با بهره‌گیری از مدل تعادل عمومی به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی (شاخصی برای اندازه‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی) روی توسعه‌ی اقتصادی ۲۷ کشور پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که ۱- ناهمسانی در تعداد گره‌های اجتماعی می‌تواند سبب ناهمسانی در درآمد سرانه‌ی کشورها شود؛ ۲- محاسبه‌ی انجام شده نشان داد که، کشورهای مورد مطالعه بدون وجود سرمایه‌ی اجتماعی تنها به ۱/۲ و ۳/۴ از میزان درآمد سرانه‌ی خود دست خواهند یافت؛ ۳- سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند کارایی سرمایه‌ی انسانی و یا بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهد؛ ۴- آنها اعتقاد دارند که افزایش در بهره‌وری می‌تواند سبب کاهش رفاه شود و این زمانی اتفاق می‌افتد که شبکه‌های اجتماعی هماهنگ، با هم شکل نگیرد؛ ۵- گروه‌های اجتماعی که نشان‌دهنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی هستند، می‌توانند سبب کاهش در هزینه‌ی مبادله شوند.

اهداف پژوهش

- بررسی رابطه‌ی بین میزان تحصیلات و توسعه‌ی پایدار شهری در استان اصفهان.

^۱ Grootaer

^۲ Anchora

- بررسی رابطه‌ی بین سن افراد و توسعه‌ی پایدار شهری در استان اصفهان.
- بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار شهری در استان اصفهان.
- بررسی رابطه‌ی بین درآمد افراد و توسعه‌ی پایدار شهری در استان اصفهان.
- بررسی رابطه‌ی بین سطح مشارکت اجتماعی افراد و توسعه‌ی پایدار شهری در استان اصفهان.

ادبیات و چارچوب نظری پژوهش

ابعاد اجتماعی و فرهنگی توسعه پایدار

مفهوم توسعه، رشته‌ای از متغیرهای کم و بیش خطی و تکاملی تلقی می‌شود که شیوه‌های ابتدایی را به سوی اشکال دیگری از پیچیدگی و تجربه‌های سخت زندگی با کمک پیشرفت‌های تکنولوژیکی به طرف زندگی راحت‌تر سوق می‌دهد. این روند معرفتی نسبتاً جدید است، زیرا چنین اندیشه‌ای در سده‌های میانه وجود نداشت؛ وانگهی توسعه که مفهومی بسیار غربی دارد با فرایند نوین صنعتی شدن به گونه‌ای تنگاتنگ در ارتباط است، زیرا به برکت تولید پیاپی و انبوه و ارتباط‌های فراوان، سطح زندگی بسیاری از مردم ارتقا یافته است در بیشتر کشورهای جهان سوم درست مانند کشورهای اروپایی چند صد سال پیش، سنن فرهنگی حتی نسبت به مفهوم توسعه بیگانه‌اند. هدف نهایی هر پژوهشی، توسعه‌ی انسان است و توسعه‌ی انسانی را فرایندی می‌دانند که امکان آزادی شغل، دخالت در سرنوشت خویش، بهره‌مندی از امکان عمر طولانی، بهداشت و سلامتی، آموزش، آرامش، و آسایش و امنیت را برای آدمی فراهم سازد. مسأله‌ی تأثیر فرهنگی توسعه با کنش‌های متقابل ارتباط تنگاتنگی دارد (محلای، ۱۳۷۸: ۳). ناگفته پیداست که توسعه در گذشته اساساً بر رشد اقتصادی، پایه‌گذاری شده است، در حالی که توسعه، روندی است جامع و فراگیر که تمامی وجوه زندگی انسان را در بر می‌گیرد. از این جهت توسعه‌ی واقعی، توسعه‌ای است متوازن که در آن حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به صورت اجزای به هم پیوسته در یک کل، به گونه‌ای همزمان تحول می‌یابد (هریسون، ۱۳۷۶: ۱). حال، برنامه‌ریزی فرهنگی به‌عنوان عامل حفظ هویت قومی و عقیدتی و یکی از مهم‌ترین تمهیدات در فرهنگ و راهی برای رسیدن به توسعه‌ی پایدار قلمداد می‌شود، با کلیه‌ی امور و شاخص‌هایی که ما را در رسیدن به یک برنامه‌ریزی فرهنگی صحیح هدایت می‌کند، مورد بررسی قرار گیرد. امروزه مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی در هر کشوری، دسترسی جمعیت آن کشور به کتاب، نسبت کتاب، تعداد کانون‌های فرهنگی،

سینماها و آموزشگاه‌ها و سایر کانون‌های فرهنگی به جمعیت است؛ چون که یک سوم از اوقات شبانه‌روز را اوقات فراغت هر فرد تشکیل می‌دهد. با ساماندهی این موارد می‌توان تأثیرات بسیار مثبت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در آن جامعه مشاهده نمود. بنابراین مشکل توسعه‌ی پایدار نه کمبود نظریه‌های توسعه است و نقصان برنامه‌های توسعه، بلکه عوامل بسیار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در توسعه‌نیافتگی این کشورها تأثیر به‌سزایی داشته است (نراقی، ۱۳۷۰: ۱۵).

پذیرش مفهوم جدید توسعه و تلاش در جهت تحقق آن، قبول ویژگی‌های عصر عقلانیت و خردورزی است و در آن کنش منطقی، حسابدگری و برنامه‌ریزی نهفته است. برای تنظیم روند هر نوع توسعه لازم است که بین اهداف و وسایل دستیابی به آنها، هماهنگی ایجاد شود و از تمامی امکانات طبیعی و انسانی بالقوه به صورتی مطلوب و حساب شده بهره برداری شود (هریسون، ۱۳۷۶: ۱).

سرمایه اجتماعی و توسعه

کلمن^۱ (۱۳۷۷)، معتقد است سرمایه‌ی اجتماعی، به نوبه‌ی خود، هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌هایی دگرگون شود که کنش را تسهیل کند. از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی نشان‌دهنده‌ی آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به‌عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. به‌طور کلی، سرمایه‌ی اجتماعی محصول تعاملات اجتماعی با قابلیت کمک به بهزیستی اجتماعی، مدنی یا اقتصادی یک اجتماعی هدفمند و دارای هدف مشترک است. این تعاملات منابع دانش و هویت را ترسیم می‌کنند و همزمان از گنجینه‌های سرمایه‌ی اجتماعی بهره‌برداری می‌کنند و آنها را می‌سازند. سرشت سرمایه‌ی اجتماعی به ابعاد کیفی تعاملاتی بستگی دارد که سرمایه‌ی اجتماعی در محدوده‌ی آنها تولید می‌شود. مانند کیفیت تعاملات بیرونی - درونی، تاریخی بودن، آینده‌گرایی، تقابل، اعتماد و ارزش‌های مشترک و هنجارها (فالك و کیلپاتریک^۲، ۲۰۰۰).

به دیگر سخن، سرمایه‌ی اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به‌عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه نهادها، قوانین، روش‌ها، عادات اجتماعی و سنت‌ها و قواعد

^۱ Coleman

^۲ Falk and Kilpatrick

رفتاری غیر رسمی جامعه است که مناسبات اجتماعی بین مردم یک جامعه را شکل می‌دهد (رنانی، ۱۳۸۱).

منظور از سرمایه‌ی اجتماعی انسجام درونی فرهنگی و اجتماعی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تعاملات فی‌مابین مردم و نهادهایی است که این هنجارها و ارزش‌ها در آن تعبیه می‌شوند. سرمایه‌ی اجتماعی به منزله‌ی چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می‌کند و بدون آن هیچ رشد اقتصادی یا بهزیستی انسانی میسر نمی‌شود (فاین، ۲۰۰۳).

پس آنچه از تعاریف متعدد سرمایه‌ی اجتماعی برمی‌آید این است که این مفهوم در بردارنده‌ی مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه است. به نحوی که، سرمایه‌ی اجتماعی، سبب می‌شود گروه به سمت ارزش‌ها و هنجارهای تحسین و مثبت شده در جامعه گام بردارد.

بر حسب اصطلاحات صرف اقتصادی و تفکرات اقتصاددانان کلاسیک، توسعه به معنای توانایی اقتصاد ملی برای ایجاد تداوم و رشد سالانه‌ی تولید ناخالص ملی با نرخ‌های ۵ تا ۷ درصد و بیشتر بوده است. اما تجربه‌ی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰، هنگامی که تعداد بسیاری از کشورهای جهان سوم در مجموع با هدف‌های رشد سازمان ملل دست یافتند، ولی سطح زندگی توده‌های مردم در اکثر زمینه‌ها بدون تغییر باقی ماند، نشان داد که نواقص بسیاری در تعریف گذشته از توسعه وجود دارد. کیندل برگر اعتقاد دارد که رشد اقتصادی به معنای تولید بیشتر است در حالی که توسعه‌ی اقتصادی شامل تولید بیشتر و تغییرات در نحوه‌ی سازمان تولید نیز خواهد بود (قره‌باغیان، ۱۳۷۲). توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه‌ی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. میسرا اعتقاد دارد که توسعه یعنی تحول جامعه از حالتی به حالت دیگر به نحوی که جامعه‌ی مورد نظر ادراک بهتری از محیط خویش بدست آورده و کنترل بر آن اعمال نماید (میسرا، ۱۳۶۸). توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموع نظام‌های اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می‌یابد. منظور از زندگی بهتر در این جمله از نظر تودارو (۱۳۸۲)، شامل سه بعد می‌شود: ۱- امکان دسترسی به کالاهای تداوم‌بخش زندگی مانند

غذا، مسکن و اشتغال؛ ۲- افزایش سطح زندگی از جمله بهداشت و آموزش و پرورش بالاتر و ۳- گسترش دامنه‌ی انتخاب اقتصادی و اجتماعی.

نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار توجه به مسایل زیست‌محیطی پس از تشدید فعالیت‌های آلوده‌کننده در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰ آغاز شد. در سال ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم به برگزاری کنفرانس بین‌المللی محیط زیست گرفت. به دنبال آن اولین کنفرانس جهان در ژوئن ۱۹۷۲ در استه‌کلم برگزار شد حاصل کار کنفرانس، صدور بیانیه‌ی محیط زیست انسانی و برنامه‌ی عملی و ۱۰۶ توصیه‌نامه بوده که در تمام آنها وابستگی انسان به محیط زیست و چگونگی شکل‌دهی آن بیان شده است. نتیجه‌ی این کنفرانس تأسیس کمیته‌ی محیط زیست بود که این کمیته به ریاست برات‌لند مسایل و برنامه‌های زیست‌محیطی جهان را بررسی و در سال ۱۹۸۷ گزارش آینده‌ی مشترک ما را به سازمان ملل متحد ارائه کرد. برات‌لند واژه‌ی توسعه‌ی پایدار را برای اولین بار و به طور رسمی در این گزارش مطرح کرد (زیاری، ۱۳۷۸:۱۷). در گزارش آینده‌ی مشترک ما درباره‌ی توسعه پایدار چنین آمده است؛ این نوع از توسعه نیازهای نسل فعلی را بدون آسیب رساندن به ظرفیت‌های آینده که به نسل آتی متعلق است پاسخگوست (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰:۹۳). در دسامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در جواب به گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، برگزاری کنفرانس محیط زیست و توسعه را برای سال ۱۹۹۲ به تصویب رساند و در ژوئن ۱۹۹۲ کنفرانسی با حضور سران کشورها در ریو (برزیل) برگزار شد. این کنفرانس که کنفرانس زمین‌نامیده شد به ارزیابی فعالیت‌های بیست ساله‌ی بین‌المللی و ملی در زمینه‌ی زیست‌محیطی پرداخت دستاورد این نظریه توسعه‌ی پایدار است (زیاری، ۱۳۷۸:۱۷).

تا دهه‌ی ۹۰ عمده نظریه‌های توسعه دیدگاه‌هایی سطحی‌نگر و حتی متناقض درباره‌ی نقش روابط اجتماعی در توسعه‌ی اقتصادی داشتند و توصیه‌های سیاستی آنها چندان قابل استفاده نبود. البته این دیدگاه‌ها، در دهه‌ی ۱۹۷۰ جای خود را به نظریه‌های وابستگی و نظام جهانی داد. اینان معتقد بودند که روابط اجتماعی در بین نخبگان حقوقی و سیاسی، ساز و کار اصلی استثمار توسط سرمایه‌داران است. در این بین دیدگاه‌هایی همچون دیدگاه اجتماع‌گرایی^۱ نیز وجود داشتند که بر سودمندی و خودکفایی اجتماعات تأکید داشتند و جنبه‌های منفی تعهدات گروهی را دست کم می‌گرفتند و اهمیت روابط اجتماعی در ساختن نهادهای رسمی مؤثر و پاسخگو را نادیده می‌گرفتند. اما پس از زمانی

^۱ communitarian

که واژه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی وارد مباحث اقتصادی شد، اقتصاددانان کوشیدند تا با تبیین روابط متقابل بین سرمایه‌ی اجتماعی و سایر متغیرهای کلان اقتصادی، نشان دهند که سرمایه‌ی اجتماعی و روابط مبتنی بر اعتماد، چگونه می‌توانند بر روی اقتصاد تأثیر بگذارد. کلمن (۱۹۸۸)، که از سرمایه‌ی اجتماعی یک تعریف کارکردی ارائه داده است، تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر سرمایه‌ی اقتصادی را از طریق سرمایه‌ی انسانی و توسعه‌ی سیاسی می‌داند. به اعتقاد وی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر سرمایه‌ی اقتصادی مستقیم نیست، بلکه سرمایه‌ی اجتماعی ابتدا سبب تولید سرمایه‌ی انسانی و توسعه‌ی سیاسی شده و سپس از طریق این دو، سرمایه‌ی اقتصادی را ایجاد می‌کند. فوکویاما (۱۹۹۷)، تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر سرمایه‌های اقتصادی را از طریق نظم اجتماعی حاصله از نظام هنجارها و نظم اخلاقی که سرمایه‌ی اجتماعی ایجاد می‌کند، می‌داند. به اعتقاد وی سرمایه‌ی اجتماعی، نظامی از ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی را فراهم می‌سازد که به واسطه‌ی آن جامعه از فروپاشی اخلاقی و مبتلا شدن به انواع انحرافات اجتماعی مصون می‌ماند و بدین ترتیب سلامت اجتماعی جامعه سبب رشد اقتصادی خواهد شد. پاتنام نیز معتقد است که موفقیت‌های اقتصادی در جوامع دارای روابط خوب، بهتر از جوامعی با روابط ضعیف است (پاتنام، ۱۹۹۳). در بین نظرات مختلف اقتصاددانان اجتماعی برای نشان دادن رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی، چهار دیدگاه بارز وجود دارد: ۱- دیدگاه اجتماع‌گرایی که اعتقاد دارند سرمایه‌ی اجتماعی ذاتاً خیر است و وجود آن همواره اثری مثبت بر رفاه اقتصادی خواهد داشت. به عبارت دیگر، طرفداران این نظریه تنها به بیان نقاط قوت سرمایه‌ی اجتماعی می‌پردازند و از نقاط ضعف آن چشم‌پوشی می‌کنند؛ ۲- دیدگاه شبکه‌ای، که هر دو جنبه‌ی مثبت و منفی سرمایه‌ی اجتماعی را در نظر می‌گیرد. اهمیت پیوندهای^۱ عمودی و همچنین پیوندهای افقی در بین مردم و روابط درونی فی مابین این قبیل هویت‌های سازمانی به‌عنوان گروه‌ها و بنگاه‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرند؛ ۳- دیدگاه نهادی، این دیدگاه مدعی است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. طرفداران دیدگاه نهادی همچنین تأکید می‌کنند که چگونگی عملکرد دولت‌ها و بنگاه‌ها نیز به نوبه‌ی خود وابسته‌ی انسجام درونی، اعتبار و صلاحیت درونی خودشان از یک‌سو و پاسخگویی آنها در برابر جامعه‌ی مدنی از سوی دیگر است؛ ۴- دیدگاه همیاری: این دیدگاه می‌کوشد آثار قوی دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کند. اگر چه طرفداران دیدگاه همیاری پیشینه‌های فکری خود

^۱ associations

را به آثار مقدم‌تر در زمینه‌ی اقتصاد سیاسی تطبیقی و مردم‌شناسی ربط می‌دهند.

نظریه توسعه پایدار

نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار توجه به مسائل زیست‌محیطی پس از تشدید فعالیت‌های آلوده‌کننده در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰ آغاز شد. در سال ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم به برگزاری کنفرانس بین‌المللی محیط زیست گرفت. به دنبال آن اولین کنفرانس جهان در ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم برگزار شد حاصل کار کنفرانس، صدور بیانیه‌ی محیط زیست انسانی و برنامه‌ی عملی و ۱۰۶ توصیه‌نامه بوده که در تمام آنها وابستگی انسان به محیط زیست و چگونگی شکل‌دهی آن بیان شده است. نتیجه‌ی این کنفرانس تأسیس کمیته‌ی محیط زیست بود که این کمیته به ریاست برات‌لند مسائل و برنامه‌های زیست‌محیطی جهان را بررسی و در سال ۱۹۸۷ گزارش آینده‌ی مشترک ما را به سازمان ملل متحد ارائه کرد. برات‌لند واژه‌ی توسعه‌ی پایدار را برای اولین بار و به‌طور رسمی در این گزارش مطرح کرد (زیاری، ۱۳۷۸:۱۷). در گزارش آینده‌ی مشترک ما درباره‌ی توسعه‌ی پایدار چنین آمده است؛ این نوع از توسعه نیازهای نسل فعلی را بدون آسیب رساندن به ظرفیت‌های آینده که به نسل آتی متعلق است پاسخگو است (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰:۹۳). در دسامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در جواب به گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، برگزاری کنفرانس محیط زیست و توسعه را برای سال ۱۹۹۲ به تصویب رساند و در ژوئن ۱۹۹۲ کنفرانسی با حضور سران کشورها در ریو (برزیل) برگزار شد. این کنفرانس که کنفرانس زمین‌نامیده شد به ارزیابی فعالیت‌های بیست‌ساله‌ی بین‌المللی و ملی در زمینه‌ی زیست‌محیطی پرداخت دستاورد این نظریه توسعه‌ی پایدار است (زیاری، ۱۳۷۸:۱۷).

فرضیات پژوهش

- فرضیه‌ی ۱: بین میزان تحصیلات و توسعه‌ی پایدار شهری در استان اصفهان رابطه وجود دارد.
- فرضیه‌ی ۲: بین سن افراد و توسعه‌ی پایدار شهری در استان اصفهان رابطه وجود دارد.
- فرضیه‌ی ۳: بین سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار شهری در استان اصفهان رابطه وجود دارد.

فرضیه ۴: بین درآمد افراد و توسعه پایدار شهری در استان اصفهان رابطه وجود دارد.

فرضیه ۵: بین سطح مشارکت اجتماعی افراد و توسعه پایدار شهری در استان اصفهان رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

بر مبنای هدف اصلی پژوهش که سنجش و تحلیل اجتماعی - فرهنگی توسعه پایدار شهری در بین شهروندان استان اصفهان است، روش این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی از نوع آزمون‌سازی محسوب می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل همه شهروندان ۱۵ تا ۶۰ ساله شهر اصفهان است. حجم نمونه به دلیل نبود آمار دقیق در سال ۱۳۹۵ (سال انجام پژوهش) از آمار سال ۱۳۹۵ استفاده شده است. بر طبق اطلاعات مرکز آمار ایران جمعیت زنان و مردان ۱۵ تا ۶۰ ساله استان اصفهان به تعداد ۵۱۲۰۵۸۰ نفر بوده است که به کمک فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه برآورد شده است. نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای بر اساس جنسیت و مناطق شهری انتخاب شده‌اند و داده‌ها، توسط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزار اندازه‌گیری توسعه پایدار در این پژوهش، پرسشنامه‌ی محقق ساخته است که با استفاده از برخی نظریات موجود در زمینه‌ی الگوهای ذهنی توسعه تدوین شده است. به منظور تهیه‌ی سوالات پرسشنامه با توجه به مطالعات انجام شده و بررسی مفاهیم اصلی در ساختار توسعه پایدار و نیز مطالعه‌ی الگوهای پیشنهادی، ابتدا هر یک از مؤلفه‌هایی که ممکن است شاخصی ذهنی برای اثرگذاری بر توسعه پایدار شهری باشند، در نظر گرفته شدند و در نهایت پنج الگوی (تحصیلات، سن، سرمایه‌ی اجتماعی، درآمد و سطح مشارکت اجتماعی) به عنوان عوامل انسانی تأثیرگذار تعریف شده‌اند، شاخص‌سازی شده‌اند و برای سنجش این متغیرها بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت اقدام شده است.

یافته‌ها و بررسی فرضیات

برای بررسی و آزمون فرضیات این تحقیق از تکنیک آماری، ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. متغیرهای مستقل و وابسته‌ی این پژوهش در سطح سنجش فاصله‌ای قرار دارند و ضریب همبستگی پیرسون برای این منظور مناسب است.

فرضیه‌ی اول: بین میزان تحصیلات و توسعه‌ی پایدار شهری رابطه وجود دارد.

جدول ۱: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین تحصیلات و توسعه‌ی پایدار شهری

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری (دو سوپه)
تحصیلات و توسعه‌ی پایدار شهری	۰/۷۷۸	۰/۰۰۰

ضریب بدست آمده برای متغیر میزان تحصیلات و تمایل به توسعه‌ی پایدار شهری برابر (۰/۷۷۸) با سطح معنی‌داری ($P=۰/۰۰۰$)، بیانگر رابطه‌ی مثبت و مستقیم بین دو متغیر مذکور است، به این معنا که با افزایش در سطح تحصیلات افراد، سطح تمایل آنها به پیشرفت و توسعه افزایش می‌یابد، چرا که افراد با تحصیلات بیشتر تمایل ذاتی بیشتری به مدرنیته و مظاهر توسعه‌ی آن دارند.

فرضیه‌ی دوم: بین سن افراد و توسعه‌ی پایدار شهری رابطه وجود دارد.

جدول ۲: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سن و توسعه‌ی پایدار شهری

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری (دو سوپه)
سن و توسعه‌ی پایدار شهری	۰/۳۰۱	۰/۰۳۴

نتایج جدول نشان می‌دهد که متغیر سن رابطه‌ی ضعیف، اما معنادار با متغیر وابسته دارد، به این معنا که با بالا رفتن سن تمایل به توسعه‌ی پایدار نمونه بهتر خواهد شد. ضریب پیرسون برای این متغیر برابر (۰/۳۰۱) با سطح معنی‌داری ($P=۰/۰۳۴$)، فرضیه‌ی فوق را تأیید می‌کند.

فرضیه‌ی سوم: بین سرمایه‌ی اجتماعی و تمایل به توسعه‌ی پایدار رابطه وجود دارد.

جدول ۳: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار شهری

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری (دو سوپه)
سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی پایدار شهری	۰/۶۹۰	۰/۰۰۰

ضریب بدست آمده برای این متغیر برابر (۰/۶۹۰) و سطح معنی‌داری ($P=۰/۰۰۰$)، فرضیه‌ی فوق را تأیید می‌کند، به این معنا که هر چه میزان سرمایه‌ی اجتماعی بالا باشد، تمایل به توسعه‌ی پایدار شهری در اصفهان بیشتر خواهند شد و در نتیجه وضعیت مطلوبی

را برای آینده‌ی اصفهان می‌توان متصور شد.

فرضیه‌ی چهارم: بین درآمد افراد و تمایل به توسعه‌ی پایدار رابطه وجود دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین درآمد و توسعه‌ی پایدار شهری

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری (دو سویه)
درآمد و توسعه‌ی پایدار شهری	۰/۵۶۹	۰/۰۰۰

نتایج بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. ضریب بدست آمده برای این دو متغیر برابر (۰/۵۶۹) و با سطح معنی‌داری ($P=۰/۰۰۰$)، نشان می‌دهد که در بین متغیرهای زمینه‌ای، درآمد بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته تمایل به توسعه‌ی پایدار شهری داشته است.

فرضیه‌ی پنجم: بین سطح مشارکت اجتماعی افراد و توسعه‌ی پایدار شهری رابطه وجود دارد.

جدول ۵: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سطح مشارکت اجتماعی افراد و توسعه‌ی

پایدار شهری

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری (دو سویه)
سطح مشارکت اجتماعی افراد و توسعه‌ی پایدار شهری	۰/۴۴۹	۰/۰۰۹

نتایج بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. ضریب بدست آمده برای این دو متغیر برابر (۰/۳۳۴) و با سطح معنی‌داری ($P=۰/۰۲۰$)، است. به عبارت دیگر هر چه سطح مشارکت اجتماعی افراد بالا باشد میزان تمایل آنها به رشد و توسعه‌ی پایدار شهری بیشتر خواهد شد. آمارهای جداول نشان می‌دهند که ۵ فرضیه‌ی مذکور در سطح حداقل ۹۵ درصد تأیید شده‌اند.

نتیجه‌گیری

یکی از مسایل و معضلاتی که پیش روی برنامه‌ریزان منطقه‌ای وجود داشته رشد و توسعه‌ی نابرابر مناطق است به طوری که با نگاه به توزیع فضایی خدمات در مناطق مشخص می‌شود که این فعالیت‌ها به شکل متوازی توزیع نشده‌اند. همان‌طوری که روند توسعه‌یافتگی در کشورهای مختلف جهان دارای مراتب گوناگونی است در داخل کشور نیز

روند توسعه‌یافتگی در بین استان‌ها و مناطق مختلف یکسان نیست. مسأله‌ی توسعه با توجه به ویژگی‌های آن ابعاد مختلفی دارد که این ابعاد از مسایل ذهنی تا مادی و فرهنگی، سیاسی و آموزشی را داراست. در حقیقت آموزش و پرورش اساسی‌ترین نقش‌ها را در توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق ایجاد محیط و فرهنگ مناسب برای توسعه و تربیت نیروی انسانی ماهر و ایجاد شیوه‌های مدرن کسب، انتقال، گسترش توسعه‌ی دانش فنی و نظری در جهان توسعه یافته ایفا می‌کند. همچنین نتایج فرضیات تحقیق این مسأله را تأیید کرد، ضریب همبستگی مثبت (۰/۶۹۲) بین سطح تحصیلات و توسعه‌ی پایدار شهری گویای این واقعیت است که هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ آماری به اثبات رسیده است. از جمله معیارهای متداول برای بررسی توسعه‌ی پایدار منطقه‌ای و یا ناحیه‌ای، طبقه‌بندی و یا سطح‌بندی نواحی و یا شهرستان‌های کشور بر اساس میزان برخورداری از شاخص‌های مختلف است (زیاری و جلالیان، ۱۳۸۷: ۷۸). در کشورهای در حال توسعه از آن جایی که توسعه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به صورت یکسان صورت نگرفته است، در هر مقیاسی نابرابری‌های منطقه‌ای در این کشورها زیاد است و در زمینه‌ی شاخص‌های مختلف مناطق ویژه‌ای موقعیت ممتازتری نسبت به سایر مناطق دارند (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵: ۵۹). تمایل به توسعه‌ی پایدار شهری در این پژوهش با متغیرهایی چون: میزان مشارکت اجتماعی؛ درآمد، سن؛ سرمایه‌ی اجتماعی و تحصیلات به آزمون گذاشته شده است. در بحث آزمون فرضیات چون معیاری برای اینکه بدانیم استان اصفهان توسعه‌یافته است یا خیر؟ آزمون‌ها بر پایه‌ی تمایل افراد به توسعه‌ی پایدار سنجیده شد که در این میان ضریب همبستگی معناداری را برای رابطه‌ی بین همه‌ی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته شاهد بودیم. شکست برنامه‌های تعدیل و تثبیت ساختاری و یا رویکرد موسوم به «اجماع‌واشنگتنی» در بسیاری از جامعه‌شناسان توسعه‌ای به این جمع‌بندی رسیده‌اند که بدون وجود ساخت قدرت و حکمرانی مناسب و سرمایه‌ی اجتماعی قوی نمی‌توان بنای اقتصاد قوی را پی گذاشت و نتایج این پژوهش گویای اثبات رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با توسعه‌ی پایدار شهری است. در همین راستا، بانک جهانی با کنار گذاشتن رویکرد تقلیل‌گرایی غالب به بررسی نقش نهادها در تحولات توسعه‌ای پرداخت. ابتدا گزارش توسعه‌ی جهانی ۱۹۹۷ را به «نقش دولت در جهان در حال تحول» اختصاص داد و در آن بر نقش نهاد‌های غیر بازاری در عملکرد اقتصادی تأکید، و سپس در سال ۱۹۹۹ مجموعه مقالاتی با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی: یک نمای چند وجهی» را منتشر کرد، که در آن به تأکید نقش سرمایه‌ی اجتماعی در تحولات توسعه‌ای پرداخت. بر همین اساس، در دهه‌های اخیر توجه به ابعاد اجتماعی و نهادی توسعه و رشد اقتصادی گسترش یافته است.

فهرست منابع:

- آهنگری، عبدالمجید و سعادت‌مهر، مسعود (۱۳۸۶). "مطالعه‌ی تطبیقی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان"، مجله‌ی دانش و توسعه، شماره‌ی ۲۱.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستاهای ایران، چاپ ششم، انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، نشر کیهان.
- پرانک، ژان و الحق، محبوب (۱۳۸۰). "گزارش لاهه پیش‌زمینه‌ی توسعه‌ی پایدار (از فکر تا عمل)"، مجله‌ی محیط‌شناسی، شماره‌ی ۲۸.
- جوان، جعفر (۱۳۸۳). جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- حسامیان، فرخ (۱۳۵۸). وابستگی و شهرنشینی (مجموعه مقالات)، تهران.
- زیاری، کرامت‌اللو جلالیان، اسحاق (۱۳۸۷). "مقایسه‌ی شهرستان‌های استان فارس بر اساس شاخص‌های توسعه ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵"، مجله‌ی جغرافیا و توسعه، شماره‌ی ۱۱، بهار و تابستان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۴). روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد ۲ و ۳.
- سانتوس، دوست و مارینی، رومارو (۱۳۵۸). توسعه و توسعه‌نیافتگی، ترجمه‌ی فرخ حسامیان، نشر ایران.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۷). مبانی جغرافیای روستایی، تهران، انتشارات سمت.
- سهراب‌زاده، مهران (۱۳۷۱). "نقش سنت در توسعه"، مجله‌ی توسعه و فرهنگ، شماره‌ی ۲.
- صادقی ده‌چشمه، حسین (۱۳۸۷). "بررسی تغییرات کالبدی و فضاهای جدید مسکن در روستا و شهر (مطالعه‌ی موردی: روستا و شهر ده‌چشمه شهرستان فارس)"، مجله‌ی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۳۳.
- عرب مازار، عباس و کشوری شاد، علی (۱۳۸۴). "بررسی اثر تغییر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی"، فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی، شماره‌ی ۱۵.
- عظیمی، حسین (۱۳۸۴). مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، انتشارات نی.
- کلود شتلندورژان، ژان و شنه، کلود (۱۳۸۰). جمعیت جهان، چالش‌ها و مسایل، ترجمه‌ی

سید محمد سید میرزایی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
 محلاتی، صلاح‌الدین (۱۳۷۸). بعد فرهنگی توسعه به سوی رهیافتی علمی، از مجموعه فرهنگ و توسعه یونسکو، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
 مفرت، ریچاردیو (۱۳۷۶). راه‌های گوناگون توسعه اقتصادی، ترجمه‌ی دکتر احمد مجتهد، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
 مکنون، رضا و ابتکار، معصومه (۱۳۷۶). "تحقیقات و توسعه‌ی پایدار"، فصلنامه‌ی رهیافت، زمستان.
 نراقی، یوسف (۱۳۷۵). توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
 هاین، ولفگانگ (۱۳۷۴). کتابشناسی مدل‌های توسعه، ترجمه‌ی آرش برومند، تهران نشر خوارزمی.
 هریسون، دیوید (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه، ترجمه‌ی دکتر علیرضا کلدی، ناشر دانشگاه علوم بهزیستی.

Anchorena, J. and F. Anjos (2008). Social Ties and Economic Development, Working Paper, Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract>.

Falk, I. (2000). "Human Capital and Social Capital: what is the Difference?", Adult Learning Commentary, Number 28.

Falk, I. and S. Kilpatrick (2000). "What Is Social Capital? A Study of Interaction in Rural Community", Journal of the European Society for Rural Sociology, Sociologia Ruralis, 40, 87-110.

Fedderke, J., R. De Kadt and J. Luiz (1999). "Economic Growth and Social Capital: a Critical Reflection", Theory and Society, 28, 709-745.

Fine, B. (2001). Social Capital versus Social Theory: Political Economy and Social Science at the Turn of the Millennium, Routledge, first Published.

François, P. (2002). Social Capital and Economic Development, Rutledge, First Published.

Grootaert, C. and T. Bastelaert (2002). The Role of Social Capital in Development, Cambridge: Cambridge Univ. Press.

Misra, R. P. and A. L. Mabogunje (1981). *Regional Development Alternatives: International Perspectives*, Tokyo: Maruzen Co. Ltd.

Qara-Baghian, M. (1993). *Growth and Development Economics*, Vol. 1-2, Tehran: Ney Publications.

Renani, M. (2002). "Social Capital and Economic Growth: A Presentation of Theoretical Pattern", *Journal of Humanities*, Isfahan, 21 (2), 129-148.

Renani, M., M. Emadzadeh, R. Moayedfar (2006-2007). "Social Capital Decline, Rationality Crisis and Plan Refusal in Iran", *Aftab Monthly*, 16, 26-35.

Svendsen, G. L. H. and G. T. Svendsen (2000). "Measuring Social Capital: the Danish Co-Operative Dairy Movement", *Sociology Ruralis*, 40 (1), 72-86.